

# Open Pedagogy in the Thought and Lifestyle of Ancient Philosophers and its Evolution in the Life of Societies of that Time

## ARTICLE INFO

**Article Type**  
Research Article

### Authors

Bayram Aghapour<sup>1</sup>  
Hamid Maleki<sup>2\*</sup>  
Nazila Khatib Zanjani<sup>3</sup>  
Marjan Masoumi Fard<sup>4</sup>

### How to cite this article

Bayram Aghapour, Hamid Maleki, Nazila Khatib Zanjani, Marjan Masoumi Fard, Open Pedagogy in the Thought and Lifestyle of Ancient Philosophers and its Evolution in the Life of Societies of that Time. *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health*, 2020:4(4); 357-371

1. PhD Student, Philosophy of Education, Payame Noor South Tehran and Instructor, Department of Educational Sciences, Payame Noor University, Iran (Corresponding Author)

2. Associate Professor, Department of Educational Sciences, Payame Noor University, Iran.

3. Associate Professor, Department of Educational Sciences, Payame Noor University, Iran.

4. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Payame Noor University, Iran.

### \* Correspondence:

Address:  
Phone:  
Email: bairamamam@yahoo.com

### Article History

Received: 2021/01/01  
Accepted: 2021/03/03  
ePublished: 2021/03/15

## ABSTRACT

**Purpose:** This study was conducted with the aim of conceptualizing open pedagogy in the thought and lifestyle of ancient philosophers and examining how it developed in the lives of societies of that time.

**Materials and Methods:** In terms of type of research is theoretical and qualitative research method is descriptive-analytical. The statistical population, by the nature of the subject, includes all sources and documents related to open pedagogy and the educational perspective of ancient philosophers, including all electronic and written books, articles, magazines, sites and valid databases, dissertations and doctoral dissertations. The statistical sample is all available sources and documents related to the subject. The method of data collection is a library in which researchers have sufficiently studied and analyzed and filed all electronic and written books, articles, journals, sites and databases, dissertations and doctoral dissertations.

**Findings:** To answer the research question, the collected information was classified, analyzed and interpreted. From the collected information, 9 main categories: 1. Objective 2. Teacher 3. Student 4. Teaching method 5. Content and topic 6. Planning 7. School 8. Evaluation 9. Resources were extracted.

**Conclusion:** The results show that more of the sub-categories of purpose and teacher and a small number of sub-categories of student, teaching method, planning and school were in the educational perspectives and lifestyle of ancient philosophers and almost none of the sub-categories of subject and content were evaluation. And the sources were not in the educational views and lifestyles of the ancient philosophers.

**Keywords:** Open Pedagogy, Ancient Philosophers, Socrates, Plato, Aristotle.

## پداگوژی بازدر اندیشه وسبک زندگی فیلسوفان

### باستان و سیر تکوین آن در زندگی جوامع آن دوران

بایرام آقاپور

دانشجوی دکتری، فلسفه تعلیم و تربیت، پیام نور تهران جنوب و مربی گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، ایران (نویسنده مسئول)

حمید ملکی

دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، ایران.

نازیلا خطیب زنجانی

دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، ایران.

مرجان معصومی فرد

استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، ایران.

چکیده

**هدف:** این پژوهش باهدف مفهوم شناسی پداگوژی باز در اندیشه و سبک زندگی فیلسوفان باستان و بررسی چگونگی تکوین آن در زندگی جوامع آن دوران انجام شده است.

**مواد و روش ها:** از لحاظ نوع تحقیق نظری است و روش تحقیق کیفی از نوع توصیفی-تحلیلی می باشد. جامعه آماری بنا به ماهیت موضوع شامل کلیه منابع و اسناد مربوط به پداگوژی باز و دیدگاه تربیتی فیلسوفان دوران باستان شامل کلیه کتاب های الکترونیکی و مکتوب، مقالات، مجلات، سایت ها و پایگاه های اطلاعاتی معتبر، پایان نامه ها و رساله های دکتری می باشد. نمونه آماری نیز همه منابع و اسناد در دسترس مربوط به موضوع می باشد. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه ای است که پژوهشگران کلیه کتاب های الکترونیکی و مکتوب، مقالات، مجلات، سایت ها و پایگاه های اطلاعاتی معتبر، پایان نامه ها و رساله های دکتری تا حد کفایت مورد مطالعه و تحلیل قرار دادند و فیش برداری کردند.

**یافته ها:** برای پاسخ به سؤال پژوهش اطلاعات جمع آوری شده را طبقه بندی، تجزیه و تحلیل و تفسیر کردند. از اطلاعات جمع آوری شده ۹ مقوله اصلی: ۱. هدف ۲. معلم ۳. دانش آموز ۴. روش تدریس ۵. محتوا و موضوع ۶. برنامه ریزی ۷. مدرسه ۸. ارزشیابی ۹. منابع استخراج گردید.

**نتیجه گیری:** نتایج پژوهش نشان می دهد که تعداد بیشتری از زیر مقوله های هدف و معلم و تعداد کمی از زیر مقوله های دانش آموز، روش تدریس، برنامه ریزی و مدرسه در دیدگاه های تربیتی و سبک زندگی فیلسوفان باستان بودند و تقریباً هیچکدام از زیر مقوله های موضوع و محتوا، ارزشیابی و منابع در دیدگاه های تربیتی و سبک زندگی فیلسوفان باستان نبودند.

کلید واژه ها: پداگوژی باز، فیلسوفان باستان، سقراط، افلاطون، ارسطو.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۳

\* نویسنده مسئول: bairamam@yahoo.com

مقدمه

پداگوژی اصطلاحی است که به طور گسترده در نوشتارهای آموزشی مورد استفاده قرار می گیرد (۱). به عنوان یادگیری و تئوری و عمل آموزشی تعریف شده است، یک شاخه علمی است که وحدت تئوری و عمل را مورد مطالعه قرار می دهد. در این درک از پداگوژی، روش ها و منابع یادگیری به عنوان فن آوری های آموزشی، به صورت پیوسته و به طور سیستماتیک برای انجام وظایف آموزشی مورد استفاده قرار می گیرد (۲). پداگوژی در گذشته هنر و علم تربیت کودکان بود و اغلب مترادف با واژه تدریس یا تعلیم و آموزش به کار برده می شد. اکنون پداگوژی مفهوم گسترده تری یافته است و در موارد مختلفی به کار می رود.

برای تغییر نظام های آموزشی و ایجاد تغییر و تحولات مطلوب در آموزش استفاده از پداگوژی متناسب با شرایط فعلی ضروری است. همانطور که نظام های آموزشی سنتی قادر به پاسخگویی به نیازهای جامعه امروز نیستند. باید نظام های آموزشی جدید جایگزین آنها شود. با تغییر نظام های آموزشی سنتی به مدرن نیاز است پداگوژی های جدید نیز جایگزین پداگوژی های سنتی شود؛ و از پداگوژی باز استفاده شود.

پداگوژی باز به طور گسترده ای به عنوان منابع، ابزار و شیوه های مختلف برای بهبود دسترسی آموزشی، اثربخشی و برابری در سطح جهانی تعریف شده است. با این حال، موضوع دشوار در طول تاریخ آموزش باز، دشوار بودن تعریف دقیق این مفهوم است. حتی در اولین مراحل آن، تعریف دشوار بود. در بررسی ادبیات در دهه ۱۹۷۰، آموزش باز به عنوان انعطاف پذیری فضا، انتخاب فعالیت دانشجویی، غنی سازی مواد یادگیری، ادغام سطوح برنامه درسی و گروه های فردی یا کوچکتر به گروه های بزرگ و همچنین درک معلم به عنوان تسهیل کننده یادگیری و توسعه مسئولیت دانش آموز برای یادگیری تعریف شد. پداگوژی باز فقط توصیف سیاست، شیوه ها، منابع، برنامه های درسی و آموزش نیست، بلکه ارزش های ذاتی در داخل و همچنین روابط بین معلمان و دانش آموزان است؛ بنابراین پداگوژی باز شعار یا فلسفه، استعاره، مدل و یا حرکت است (۳).

اصطلاح پداگوژی باز دارای سابقه طولانی است و در بسیاری از زمینه ها استفاده شده است. به عنوان مثال، الیوت تنش بین پداگوژی بسته و باز را توصیف می کند و بیشتر به آموزش رسمی و غیررسمی و همکاری دانش آموزان در سطح کلاس می پردازد. مای<sup>۲</sup> درباره پداگوژی باز در زمینه ایجاد یک کلاس غیررسمی که در آن کودکان ممکن است اعتماد به نفس خود را با کشف علائق خود، به جای خسته شدن، تحقیر و بیگانگی مورد بحث قرار دهند. دوفو<sup>۳</sup> معتقد است که

<sup>3</sup>. Defoe

<sup>1</sup>. Eliot

<sup>2</sup>. May

پژوهشی را با عنوان مبانی پداگوژیکی آموزش از دور و نظریه‌های آن باهدف ارائه مبانی پداگوژیکی و نظریه‌های آموزش از دور. ناسکیمین و بورگوس<sup>۶</sup> (۱۱) بررسی ادبیات و مجموعه‌ای از مصاحبه‌ها با تعدادی از متخصصان برجسته در زمینه منابع آموزشی باز و آموزش باز. بهومیک و همکاران<sup>۹</sup> (۱۲) بررسی نقش پداگوژی در تدریس اثربخش را انجام دادند.

برای داشتن افراد متناسب با عصر جدید که بتوانند نیازمندی‌های این عصر را پاسخگو باشند باید مبانی یاددهی و یادگیری را بر اساس پداگوژی باز تنظیم کرد. پس نظام آموزشی برای پاسخگویی به نیازهای جامعه، تربیت نیروی انسانی متخصص، متفکر، متعهد، خلاق و فرهیخته و برای رسیدن به اهداف خودش باید از پداگوژی مناسب با شرایط خود، فناوری‌ها آموزشی و از فرایندهای یاددهی-یادگیری مطلوب استفاده نماید.

و همچنین برای اینکه نظام آموزشی بتواند به یک نظام آموزشی جدید تبدیل شده و مشکلات و مسائل نسل جدید آموزشی را حل کند، باید دارای مبانی فلسفی و نظری برای پداگوژی که بکار می‌گیرد باشد. نیازمند توجه به ملاحظات مربوط به زیرساخت‌های فناوریانه، زیرساخت پداگوژیکی، زیرساخت اجتماعی فرهنگی، مدیریتی، اداری پشتیبانی و اقتصادی می‌باشد (۱۳).

میان فلسفه و آموزش و پرورش رابطه‌ای بسیار نزدیک و صریح وجود دارد. اهمیت آن به گونه‌ای است که اغلب فیلسوفان یا حتی مربیان بزرگ، نظریات خود را در قالب سیستمی تربیتی نمایان و منعکس ساخته‌اند. از طرف دیگر ارائه هرگونه تعریف از تعلیم و تربیت وابستگی مستقیم یا غیرمستقیم و درعین حال نزدیک با فلسفه دارد.

فرایند فلسفی کردن تعلیم و تربیت نیازمند درک صحیحی از تعلیم و تربیت، مسائل و مشکلات آن است. از این رو باید گفت فلسفه تعلیم و تربیت، استفاده و کاربرد ایده‌های فلسفی برای جهت‌دهی یا حل مسائل تعلیم و تربیت است. البته این بدان معنی نیست که فقط ما باید به دنبال ایده‌های ناب فلسفی بگردیم بلکه مهم‌تر این است که این ایده‌ها را به بهترین وجه برای تعلیم و تربیت، عملی کنیم. بنابراین می‌توان گفت فلسفه تئوری است درحالی که تعلیم و تربیت عملی. اما باید در نظر داشت عملی که توسط تئوری‌های هدایت‌شونده حمایت نشود ناکارآمد، متناقض است البته تئوری هم که به عمل منجر نشود نه تنها ملال‌آور، بی‌فایده بلکه گنج‌کننده نیز خواهد بود. دریک کلام: فلسفه ترسیم ایده آلهاست و تعلیم و تربیت وسیله و تکنیک‌های رسیدن به آن ایده آل‌ها.

برنامه‌های درسی، روش‌های تدریس و ارزشیابی، مفاهیم یاد دهنده یادگیرنده، محتوا و مفهوم زمان و مکان و حتی ساختار و قوانین نظام‌های آموزشی، تأثیرات عمیقی از فلسفه و نظرات فیلسوفان

آموزش باز پدیدآورنده فلسفه‌ای است که در آن محتوای دوره و همچنین پیشرفت آن با نیازها و ترجیحات شرکت‌کنندگان تعیین می‌شود. دانیل<sup>۱</sup> به پداگوژی باز به‌عنوان یک فرصت برابر برای دانش آموزان اشاره می‌کند (۴).

ارتباط پداگوژی باز با رویکردهای دانشجویی محور در سال‌های اخیر با توسعه فن‌آوری‌های جدید تقویت شده است. هاجکینسون-ویلیامز و گری<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) از این اصطلاح استفاده می‌کنند تا به فرایندهای آموزشی باز به‌وسیله فناوری‌های وب ۲.۰ به وجود آمدند اشاره کنند و استدلال کنند که پداگوژی باز نقش تحول‌یافتاری را نسبت به محتوای باز دارد. در مقاله‌ای از دانشگاه اتاباسکا<sup>۳</sup> که در سال ۲۰۱۱ نوشته شده است، پداگوژی باز با تمرکز بر یادگیری سواد دیجیتالی و تدریس، موجب ایجاد همکاری در بین دانش آموزان می‌شود. همچنین پداگوژی باز طیف گسترده‌ای از ویژگی‌های فناوری مشارکتی برای نوآوری و خلاقیت است (۵).

علاوه بر این، پداگوژی باز به ایجاد، استفاده و به اشتراک‌گذاری منابع آموزشی باز<sup>۴</sup> (OER) نزدیک شده است. ولر<sup>۵</sup> (۶) معتقد است که پداگوژی باز استفاده از مطالب فراوان، باز (مانند منابع آموزشی باز، فیلم‌ها، پادکست‌ها) است؛ و همچنین بر شبکه و ارتباطات یادگیرنده در آن و نیز رابطه بین منابع آموزشی باز و پداگوژی باز تأکید می‌کند. کرونین<sup>۶</sup> (۳) واژه «شیوه‌های آموزشی باز» را به‌عنوان توصیف گسترده‌ای از شیوه‌هایی که شامل ایجاد، استفاده و استفاده مجدد از منابع آموزشی باز (OER) و همچنین پداگوژی باز و به اشتراک‌گذاری باز از شیوه‌های تدریس تعریف می‌کند. همچنین شیوه‌های آموزشی باز مجموعه‌ای از فعالیت‌ها برای طراحی آموزشی و پیاده‌سازی رویدادها و فرایندهایی که برای حمایت از یادگیری استفاده می‌شود، تعریف می‌کند. آن‌ها همچنین شامل ایجاد، استفاده و هدف‌گذاری مجدد منابع آموزشی باز (OER) و سازگاری آنها با محیط متنی هستند. آن‌ها در یک فرمت قابل حمل و در دسترس هستند علاوه بر این پیچیدگی، بعضی افراد واژه «شیوه‌های آموزشی باز»<sup>۷</sup> را مترادف با پداگوژی باز می‌دانند، درحالی که دیگران آنها را متمایز می‌کنند. (۴).

با توجه به جستجوهای انجام شده پژوهش‌هایی به‌طور خاص در مورد مفهوم شناسی پداگوژی باز در اندیشه فیلسوفان تعلیم و تربیت و چگونگی تحقق آن در نظام آموزشی انجام نشده بنابراین پژوهش‌هایی که به‌نوعی به موضوع مرتبط هستند برای اختصار عناوین آنها آورده می‌شود.

طایفه مهدی خان و همکاران (۷) پژوهشی را باهدف اثربخش‌تأثیر پداگوژیک (تعلیم و تربیتی) بر هوش هیجانی و اجتماعی کودکان. نادری و منصوریان (۸) در پژوهشی پداگوژی یادگیری پرسش و جو بنیاد را تحلیل کردند. مرادی و همکاران (۹) پژوهشی را با عنوان مبانی پداگوژیکی نظریه‌های تعامل در آموزش از دور. نجفی (۱۰)

6. Cronin

7. Open educational practices

8. Nascimbeni and Burgos

9. Bhowmik et al

1. Daniel

2. Hodjkinins, Williams and Gary

3. University of Atabaska

4. Open Educational Resources

5. Weller

می‌شود که از رضایت راضی نیست و همچنین گمانه‌زنی‌های بی‌فایده و غیرقابل قبول را قبول نمی‌کند که با توجه به پیشرفت فکری و اخلاقی انسان، هیچ سودی ندارد (۲۲).

سقراط به یادگیرنده به‌عنوان موجود بالقوه شناختن چیزی نگاه می‌کرد. آنچه برای او لازم بود، قرار گرفتن در معرض روش و فرآیند کشف خود درونی است؛ بنابراین ایده‌ها برای سقراط ذاتی هستند و معلم فقط نقش راهنما در فرآیند کشف خود دارد. یادگیرنده باید خودش کشف کند. این روش یادگیرنده محور بود تا معلم یا محتوا محور (۲۳).

در نتیجه، بدیهی است که روش آموزش سقراط آزادانه‌ترین روش و بدون هیچ نظم، امتحان یا آیین‌نامه دیگری بود. سقراط پیروان خود را تشویق می‌کرد تا برای گسترش دانش خود انتقادی بیندیشند؛ زیرا این امر به ما امکان می‌دهد دنیای اطراف ما را بهتر درک کنیم طبق نظر سقراط، ما می‌توانیم با تفکر انتقادی، زیر سال بردن باورها و یافتن پاسخ، خود را آموزش دهیم. از طرف دیگر، سقراط ادعا می‌کرد که فلسفه تلاش عالمانه خرد است، گرچه این تلاش پایان‌ناپذیر است زیرا ما به‌سادگی نمی‌توانیم همه پاسخ‌ها را پیدا کنیم (۲۴).

در مکتب افلاطون، مهم‌ترین و بنیادی‌ترین موضوع بحث، تعلیم و تربیت است (۱۵) در حقیقت، تربیت خطی است که همه آثار افلاطون را به هم می‌پیوندد (۲۵). یکی از موضوعات اصلی در سراسر مجموعه افلاطونی، آموزش است. درحالی‌که برخی مرکزیت آموزش را در اندیشه افلاطون و اهمیت سهم وی در فلسفه تعلیم و تربیت تشخیص داده‌اند (۲۶).

از دیدگاه او تربیت دوگانه است: از یکسو تربیت فرد و از سوی دیگر تربیت جامعه. تربیت فرد نیز دوگانه است: یکی تربیت تن و دیگری تربیت روان. تربیت تن یعنی پروراندن توانایی‌های جسمانی و نیرومند کردن آن برای انجام کارهای دشوار و جنگاوری. تربیت روان، یعنی شکوفاندن توانایی‌های آن و پروراندن جنبه‌های گوناگونش (۲۵).

هدف نهایی تعلیم و تربیت کمک به مردم در شناخت ایده خیر، یعنی فضیلت است (۱). به نظر افلاطون هدف عمده تربیت، کشف استعدادها، برجسته و آماده ساختن آنها برای زمامداری در یک جامعه آرمانی یعنی جامعه‌ای مبتنی بر عدالت و حکمت است. این هدف را که می‌توان در پرورش نخبگان خلاصه کرد متضمن تحقق اهداف دیگری است که مهم‌ترین آنها کشف استعداد و قابلیت‌های طبیعی در افراد، صرف‌نظر از وضع طبقاتی آنان و نیز پرورش آنان برای تحقق اهداف سیاسی و اجتماعی است (۱۵).

به‌منظور طرح و بیان صریح‌تر اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه افلاطون، این اهداف با دودسته اهداف فردی تعلیم و تربیت و اهداف اجتماعی تعلیم و تربیت تقسیم شده‌اند. اهداف فردی تعلیم و تربیت نیز به هدف جسمانی (تربیت بدنی)، هدف ذوقی (هنری)، هدف اخلاقی (تربیت اخلاقی) و هدف عقلانی تقسیم شده‌اند (۲۷). افلاطون با همه تأکیدی که بر تربیت فرد دارد اما فرد را در اجتماع می‌بیند. در فلسفه سیاسی افلاطون، جامعه محل رسیدن فرد به کمال است؛ بنابراین تربیت برای افلاطون تحت عنوان اجتماع مطرح شده

تربیتی می‌پذیرند. هر یک از عناصر در آموزش باز با توجه به فلسفه حاکم بر آن دارای ویژگی منحصر به فرد خود است (۱۴).

در ادامه جهت روشن شدن پداگوژی از دیدگاه فیلسوفان تعلیم تربیت در دوران باستان دیدگاه سه فیلسوف این دوره سقراط، افلاطون و ارسطو به اختصار می‌آوریم.

سقراط هدف خود را فهمیدن و فهماندن حقایق و تربیت اخلاقی و سیاسی جوانان می‌دانست (۱۵). به نظر او هدف تربیت این است که به شاگرد یاد دهیم که با به کار انداختن عقل خود به کار نیک بپردازد نه آنکه به هر قیمت بر حریف غلبه کند بدین ترتیب مساله پرورش عقلی و اخلاقی انسان هم می‌تواند هدف تربیت مطرح شود (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۲۰۱۴، جلد ۱) سقراط معتقد بود تعلیم و تربیت باید دانش‌های را که موجب شکوفا شدن قدرت تفکر انسان می‌شود در اختیار بگذارد. در نظر سقراط دانشی محترم است که به رفتار و کردار درست بیانجامد. دانش توأم با فضیلت تقوا، اساس هنر و زندگی انسان است (۱۶).

سقراط پیشرو روشی است که امروز آن را روش گفتگو یا روش سقراطی می‌نامند؛ که می‌توان آن را روش فعال نیز نامید، زیرا سقراط به جای آنکه نظر خود را به شاگرد تحمیل و یا به ذهن او القا کند سعی می‌کرد تعلیم را از جایی که مورد علاقه مخاطب است آغاز کند و او را به کوشش برای درک مطلب یا حل مسئله مورد بحث سوق دهد (کاردان، ۲۰۰۲). ماهیت روش سقراطی شامل شناسایی یک مسئله، ایجاد یک فرضیه، استخراج پیامدهای آزمون فرضیه تنظیم شده، انجام آزمون و در نهایت پذیرش یا رد است. وقتی رد وجود دارد، باید به فرمول‌بندی فرضیه بازگشت (۱۷). ما نه تنها می‌بینیم که سقراط از دیالکتیک برای آموزش استفاده می‌کند بلکه از اهمیت آن نیز می‌گوید. سایر روش‌ها و استراتژی‌های تدریس در طول گفتگوها برای ترویج یا پرورش بینش و درک از طریق تحقیق متفکرانه بکار برده می‌شود (۱۸). این رویه حقیقت‌جویی سقراط با وجود نارسایی‌هایی که داشت موجب شد در آموزش روش منطقی به وجود آید در واقع می‌توان سقراط را هم مؤسس اخلاق هم بانی روش آموزشی نامید (۱۹).

سقراط معلم را وجدان عصر خویش می‌دانست و وظیفه او را بیدار کردن روح شاگرد و آگاه ساختن او می‌شمارد. (۱۵). معلم در نظر سقراط راهبر مدنیت است و باید در پی حقیقت باشد حتی وقتی که معاصرانش هم مخالف و باشند. از معلم مدرسه درستی بیش از همه چیز انتظار می‌رود. سقراط در درجه اول یک معلم اخلاق بود بر روی هم‌رفته علاقه‌ای به علم نداشت و برخلاف متفکران پیشین یونان اهمیت طبیعت را کمتر از مسئله انسان می‌دانست (۲۱). با این همه سقراط عقیده دارد که تربیت ما سرانجام دارای یک اثر اجتماعی است. به نظر سقراط درخشش خود شخص اهمیت ندارد بلکه این امر اهمیت دارد که چگونه اندیشه‌های خود را نشر دهد و تغییری در اجتماع به وجود آورد و بنابراین مشاهده می‌شود که دانش و اخلاق باهم وابستگی دارند.

از زمان باستان، سقراط، کسی شناخته شده بود که به جای اینکه فقط فلسفه تدریس کند، آن را زندگی کرده است. به همین دلیل، سقراط به‌طور اجتناب‌ناپذیری مانند معیار عالی برای فیلسوف عملی تصور

و امری کاملاً جمعی است. هدف تعلیم و تربیت افلاطون پرورش شهروندانی است که توانایی انجام وظایف اجتماعی خود را به بهترین نمونه به دست آورد (۱۵).

به عقیده افلاطون، مهم‌ترین روش تدریس یا آموزش، روش گفت‌و شنود است و آن روشی است که به یاری آن انسان می‌آموزد که چگونه از آنچه به حس درمی‌آید آغاز کند و به سوی جهان معنوی بالا رود و بدین‌سان از چیزهای دیدنی، گذرنده، بسیار و پراکنده فراتر رفته به جهان معنی - یعنی جهانی که فقط به اندیشه می‌آید، راه یابد (۱۵). تقلید از الگوها و اسوه‌ها نیز بخشی از روش تربیتی را تشکیل می‌دهد. دانش آموزان درس‌های ارزشمندی را بر مبنای نمونه‌ها و الگوهای شایسته برگرفته از تاریخ، ادبیات، دین، زندگینامه و فلسفه اخذ می‌کنند. آنان ترغیب می‌شوند که الگو را مورد مطالعه قرار دهند تا شخص مورد بحث به صورت مظهري از ارزش درآید (همان منبع) افلاطون معتقد است که روح عمیقاً از نمایش‌ها تأثیر می‌پذیرد. وقتی که کودکی بازیگری را در حال نقش‌آفرینی یک شخصیت می‌بیند، چیزی از این تصویرنمایشی بر روح کودک نیز اثر می‌گذارد (۲۶).

افلاطون از روش پرسش و پاسخ استفاده می‌کند، به‌ویژه در سطوح پیشرفته تحصیلات. با استفاده از سؤالات نافذ، معلم می‌تواند زیر سطح چیزهایی که حس درک می‌کند، برود و به درک کاملاً عقلی ذات موجود در پشت اشیا حس برسد (۱) روش دیگری که افلاطون از آن استفاده می‌کند، اما هنگام سنتز فلسفه تعلیم و تربیت او اغلب نادیده گرفته می‌شود، استفاده او از موقعیت‌های خیالی است. همچنین افلاطون معتقد بود که جدل نیز از بهترین روش‌های یادگیری است به‌وسیله این شیوه دقیق تفکر است که افراد می‌توانند اشیا را به‌صورت واقعی ببینند (۲۸).

در دیدگاه افلاطون معلم از اهمیت بالایی برخوردار است، معلم الگو و نماینده پخته فرهنگ است (۱۵)، بدین معنی که وی، مظهر کاملی از عالی‌ترین ارزش‌های فرهنگی است. اگرچه معلم را باید بر پایه صلاحیت او در موضوع درسی و فن تربیت برگزید تا شایسته سرمشق‌گیری دانش‌آموزان گردد و باید از ذوق زیبایی‌شناسی بهره‌مند باشد. دانش‌آموزان از راه جذب و هضم نظام ارزشی الگوی اخلاقی در زندگی خویش از وی پیروی می‌کنند. تأسی از دیگران تقلید نیست، بلکه شامل خیر در زندگانی انسان است. (۲۹).

شاگرد از دیدگاه افلاطون، چون قبلاً با ایده آشنا است، پس به راحتی می‌تواند ایده را به یاد آورد و از آنجا که شیفتگی درونی برای رسیدن به ایده دارد، انگیزه لازم برای یادآوری دارد. یادآوری و نظم علم‌هایی که پیش‌تر به‌صورت درهم‌وبرهم آموخته‌اند، سبب می‌شود تا از یک‌سو به یگانگی و خویشاوندی آن علم‌ها پی‌برند و از سوی دیگر، پیوند و نسبت آنها را با «بودن» دریابند. (۲۵). افلاطون معتقد بود که دانش‌آموزان باید متناسب با ظرفیت‌هایشان آموزش ببینند - که همه آنها نباید دقیقاً تحصیلات یکسانی داشته باشند. تنها کسانی به‌سوی تحصیل علم و حکمت سوق داده شوند که استعداد آن را داشته باشند زمامداران باید مراقب افراد مستعد صرف‌نظر از طبقه اجتماعی‌شان باشند.

به نظر افلاطون چون اجرای عدالت در جامعه مستلزم هماهنگی فکری در میان افراد است و نظر به اینکه خانواده‌ها در تربیت فرزندان خود سلیقه‌های گوناگون دارند و این اختلاف سلیقه ممکن است موجب ناهماهنگی و تشتت آراء در جامعه شود باید هرچه زودتر کودکان را از خانواده گرفت و در یک نظام آموزشی متمرکز با نظارت دولت تربیت کرد.

ارسطو بر آن است که تربیت شرط لازم واقعیت یافتن کمال انسانی است. از نگاه او انسان نیک و نیک‌بخت انسان تربیت‌یافته است نه انسان بدوی و شریف یا انسان عادی. انسان سعادتمند کسی است که از هنرهای اخلاقی بهره‌مند باشد که آن نیز حاصل و ثمره تربیت است. در واقع او قصد دارد هنر زندگی را به مردم بیاموزد. تا از این راه جامعه‌ای سعادتمند و کشوری برتر و بهتر از دیگر کشورها خلق کند. به عقیده ارسطو تعلیم و تربیت باید به‌مثابه وسیله‌ای برای کمک به انسان‌ها در جستجوی‌شان برای سعادت باشد که خود به معنی نیل به فضیلت است.

هدف از تعلیم و تربیت از نظر ارسطو آموختن مهارت‌های عملی (تجربی) و زندگی خوب همراه با خوشبختی و دستیابی به فضیلت اخلاقی است (۳۰). از نظر ارسطو فضیلت ملکه‌ای است که حد وسطی را انتخاب می‌کند که برای ما درست و با موازین عقلی سازگار است. حد وسط، میان دو عیب، یعنی افراط و تفریط، قرار دارد. بدین جهت، فضیلت از لحاظ ماهیت و تعریف، حد وسط است و از حیث نیک و کمال، والاترین ارزش‌ها. بنابراین به نظر ارسطو پیدایش و رشد فضایل عقلانی به‌طور عمده بستگی به آموختن دارد به همین دلیل نیازمند تجربه و زمان است و فضایل اخلاقی برخلاف فضایی عقلانی از راه عادت و تمرین به دست می‌آید (۳۱). ارسطو درباره هدف فردی یا طبیعی می‌گوید: این هدف از جسم شروع می‌شود و به پرورش عقل یا نفس ناطقه ختم می‌شود؛ اما هدف اجتماعی یا سیاسی عبارت از ایجاد فضیلت مدنی در انسان است. در حقیقت ارسطو تعلیم و تربیت را فنی می‌داند که باید فضیلت مدنی را به طفل یادآوری کند. وجود این فضیلت در شهروندان بقای حکومت را تضمین می‌کند و بقای حکومت‌ها در سازگاری روش تربیت با روح قانون اساسی هر کشور است.

در گزینش موضوعات درسی نیز نظر ارسطو این است که هدف باید تربیت منش متعلم باشد، نه سودمندی درس و شاگرد باید دانش و هنر معینی را برای خود آن دانش یا هنر بیاموزد نه سودی که برای او خواهد داشت (کاردان، ۲۰۰۲). با نظر داشتن به همین پرورش منش است که ارسطو در گزینش موضوع‌های درسی، بیش از آنچه به سودمندی آنها اهمیت دهد، به اثر تربیتی‌شان توجه دارد و می‌گوید به هر نسبت سودمندی یک درس کمتر باشد اهمیت آن در پرورش بیشتر است (۲۵). بدین تربیت ارسطو حداقل چهار موضوع را برای آموزش مشخص می‌کند: خواندن و نوشتن، آموزش و پرورش جسمانی، موسیقی، نقاشی و ترسیم (۳۱). در مورد تربیت اجتماعی ارسطو معتقد است انسان موجودی زیستی - اجتماعی است که پیوسته از محیط طبیعی و اجتماعی خود متأثر است. این تأثیر به‌گونه‌ای است که چگونگی شدن او را معین می‌کند. بنابراین انسان

گرایش به تقلید دارد و نیز می‌خواهد از طریق همکاری با مردم دیگر زندگی کند. با توجه به نزدیکی فلسفه و آموزش و پرورش تأثیرپذیری نظام‌های آموزشی از نظرات فیلسوفان تربیتی به نظر می‌رسد شناسایی مفهوم اصطلاح پداگوژیک باز در اندیشه فیلسوفان تربیتی و به کار بردن این مفهوم در نظام آموزشی بتواند در حل مسائل و مشکلات کمک‌کننده باشد. به همین منظور این پژوهش باهدف پاسخ به سؤال: مفهوم پداگوژی باز در اندیشه فیلسوفان دوران باستان و سیر تکوین آن در آن دوران چگونه بوده است؟ انجام شده است.

نتایج این پژوهش می‌تواند در نظام‌های آموزشی، همه فرایندهای یاددهی - یادگیری و کلیه سازمان‌ها و نهادهایی که به‌نوعی با فعالیت‌های آموزشی و یاددهی و یادگیری در ارتباط هستند مورد استفاده قرارگیرد. بخصوص در نظام آموزش از دور یاد دهنده و یادگیرنده از لحاظ مکانی جدا از هم هستند پداگوژی باز می‌تواند برای جبران این، روش‌ها و راهبردهای مناسب و برنامه درسی متناسب با ویژگی‌های نظام آموزش از دور پیشنهاد کند. پداگوژی باز می‌تواند در تدریس، تهیه و تدوین محتوای آموزشی، نحوه استفاده از منابع آموزشی باز، میزان استفاده از محتوای آموزشی متناسب با شرایط و نیاز یادگیرنده، انتخاب ابزار و امکانات، ایجاد شور و شوق و انگیزه لازم را در فراگیران، ارائه چارچوب عملی برای نظام آموزشی جهت ارتقاء کیفیت و کارایی، مفهوم‌سازی نظری راجع به جریان آموزش و پژوهش و در زمینه انتخاب و استخدام اساتید و معلمان مفید واقع شود.

#### مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات نظری است. روش متناسب با آن روش کیفی از نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد. جامعه آماری بنا به ماهیت موضوع شامل کلیه منابع و اسناد مربوط به پداگوژی باز و دیدگاه تربیتی فیلسوفان دوران باستان شامل کلیه کتاب‌های الکترونیکی و مکتوب، مقالات، مجلات، سایت‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دکتری می‌باشد. پژوهشگران سعی کردند همه منابع و اسناد مربوط به موضوع را تا حد امکان مورد مطالعه و بررسی قرار دهند. نمونه آماری نیز همه منابع و اسناد در دسترس مربوط به پداگوژی باز می‌باشد. در مورد دیدگاه تربیتی فیلسوفان باستان امکان بررسی دیدگاه همه فیلسوفان این دوره وجود نداشت دیدگاه سه فیلسوف سقراط، افلاطون و ارسطو مورد بررسی و تجزیه تحلیل قرار گرفت. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است که پژوهشگران کلیه کتاب‌های الکترونیکی و مکتوب، مقالات، مجلات، سایت‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دکتری تا حد کفایت مورد مطالعه و تحلیل قرار دادند و فیش‌برداری کردند. برای پاسخ به سؤال پژوهش اطلاعات جمع‌آوری شده را طبقه‌بندی، تجزیه و تحلیل و تفسیر کردند.

#### یافته‌ها

تحت تأثیر جامعه و طبیعت است. پس پرورش همه‌جانبه‌ی انسان در جامعه امکان‌پذیر است

ارسطو اشکال مختلف یادگیری را با اشکال مختلف دانش مرتبط می‌سازد و تأکید می‌کند که اشکال مختلف یادگیری و مقولات دانش باهم مرتبط هستند و به همین دلیل برای آنچه ما می‌توانیم در مدرسه یاد بگیریم محدودیت وجود دارد. دانش نظری را می‌توان در مدرسه آموخت اما دانش عملی در شرایط خاص به بهترین نحو می‌تواند آموخته شود. اصول کلی مرتبط با دانش عملی، بدون تجربه عملی ارزش زیادی ندارند. توانایی مبتنی بر حکمت عملی نمی‌تواند از طریق آموزش یاد گرفته شود. بلکه از طریق موقعیت‌های عملی زیاد قابل یادگیری است.

ارسطو در تنظیم برنامه‌های آموزش و پرورش به ارزش‌های مورد قبول یونانیان زمان خود که کاملاً توجه دارد و بسیاری از آنها را می‌پذیرد؛ و در این برنامه که هدف اصلی آن ایجاد فضیلت انسانی یعنی پرورش قوه تفکر و تعقل و درک خیر و جمال است، طبقه آزاد یا ممتاز جامعه را در نظر دارد علاوه بر خواندن و نوشتن و حساب کردن، ورزش و آموزش دستور زبان و به‌ویژه موسیقی و نقاشی را توصیه می‌کند (۳۲) ارسطو اوقات فراغت را مهم‌ترین رکن تربیت می‌داند و می‌گوید فرد تنها در اوقات فراغت می‌تواند تفکر و تأمل کند و از قوای عالی‌تر خود آگاه شود. ارسطو او معتقد بود که برنامه‌های درسی باید با الگوهای رشد و کمال آدمی همخوانی داشته باشد برای اطفال باید فرصت بازی فعالیت جسمانی فراهم گردد تا برای آموزش‌های ویژه آماده شوند. قبل از نوجوانی تأکید عمده تربیت و پرورش ارزش‌های والا و گرایش‌های اخلاقی است.

ارسطو معتقد است معلم باید برشماری از شیوه‌های تدریس از سخنرانی گرفته تا بحث و گفتگو و آزمایش مسلط باشد. معلم باید روشی را که با سابقه دانش‌آموز و موقعیت آموزشی تناسب دارد به کار بندد. یکی از روش‌های آرمانی که ضروری است بامهارت بسیار اعمال شود، آن است که موقعیت یادگیری به گونه سازمان داده شود که موجب تکرار فعالیت پژوهشی محقق و دانشمند باشد. ارسطو وظیفه‌ای یک مربی را ملاحظه شرایط روانی و اخلاقی طبیعت شاگرد می‌داند دانستن از دیدگاه ارسطو یعنی شناختن راه خود نه راه هر شخص دیگر؛ زیرا فردی که آگاه است می‌تواند خودش را در خلال رشد و یادگیری پیشرفت دهد.

یادگیرنده از دیدگاه ارسطو کسی است که برای کسب مهارت یا دانش حضور می‌یابد. از دانش‌آموزان انتظار می‌رود که برای یادگیری آماده و برای انجام تلاش لازم مشتاق باشند. باینکه ممکن است دانش‌آموزان علائق متعددی داشته باشند ولی انتظار آن است که توجه خود را به موضوع تدریس متمرکز کنند. یادگیرنده هم از لحاظ بدنی و هم از لحاظ روحی باید در سطح مناسبی باشد. آنچه را که ارسطو ماهیت و طبیعت سالم می‌نامد در وسیع‌ترین معنای کلمه، ترکیبی از امور ارثی و امور اکتسابی است. به سبب اهمیت توارث، نژاد اهمیت برجسته‌ای دارد. یادگیرنده باید توانایی جذب توصیه‌های مربی را داشته باشد و از طریق همکاری به تمرین‌ها و کوشش لازم بپردازد تا رشد اخلاقی و عقلانی شخصیتش شکل بگیرد. یادگیرنده دارای طبیعت سالم است و تمایل به یادگیری دارد

چگونه بوده، زیر مقوله‌هایی برای هر مقوله اصلی استخراج شده در ادامه به ترتیب مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱. هدف: برای بررسی میزان نزدیکی دیدگاه فیلسوفان باستان (سقراط، افلاطون و ارسطو) در مورد هدف به مفاهیم پداگوژی باز زیر مقوله‌های مقوله هدف در جدول زیر آورده می‌شود.

برای پاسخ به سؤال تحقیق: مفهوم پداگوژی باز در اندیشه فیلسوفان دوران باستان و سیر تکوین آن در آن دوران چگونه بوده است؟ از اطلاعات جمع‌آوری شده ۹ مقوله اصلی: ۱. هدف ۲. معلم ۳. دانش‌آموز ۴. روش تدریس ۵. محتوا و موضوع ۶. برنامه‌ریزی ۷. مدرسه ۸. ارزشیابی ۹. منابع استخراج گردید. برای اینکه بفهمیم مفهوم پداگوژی باز در اندیشه فیلسوفان (سقراط، افلاطون و ارسطو)

جدول ۱. زیر مقوله‌های مربوط به هدف

مقوله اصلی	زیر مقوله‌ها در پداگوژی باز	زیر مقوله‌ها در دیدگاه فیلسوفان باستان
هدف	توانمندسازی دانش‌آموزان برای رهبری و حل مشکلات- تولید مصنوعات و اشتراک‌گذاری آن‌ها- تأکید بر فرآیند ایجاد و تولید منابع- مشارکت یادگیرنده در فرایند اجتماعی توسعه دانش- حذف نابرابری فرصت‌ها- افزایش درجه اجتماعی شدن و تعامل- پرورش خلاقیت یادگیرندگان- شناخت توانایی‌ها و استعدادها- قرار دادن یادگیرنده در مسیر یادگیری مادام‌العمر- رشد و شکوفایی همه استعدادها- آموزش بر اساس توانایی‌های دانش‌آموزان- توجه به همه نیازهای دانش‌آموزان	رشد کامل شخصیت انسان- انتقال ارزش‌ها و مهارت‌ها- رساندن فرد به کمال و شکوفایی استعدادها تفکر- رسیدن به سعادت و فضیلت- پرورش روحیه حقیقت‌جویی- کمک به رشد عقلانی برای شناخت مفاهیم کلی امور- خودشناسی- تربیت اخلاقی و سیاسی- بیرون آوردن ایده‌هایی که در ذهن نهفته است- پرورش یک فرد منطقی- تربیت افراد دانا و دادگر- تربیت تن و روان- کشف استعدادها قابلیت‌های طبیعی بدون توجه به طبقه آن‌ها- ساختن جامعه منظم و عادلانه- آموزش بر اساس توانایی‌های دانش‌آموزان- توجه به نیازهای جسمانی، هنری، اخلاقی و عقلانی- یادگیری مادام‌العمر- آموزش چگونه زیستن و هنر زندگی و مهارت‌های عملی زندگی- پرورش قوه عقل- آماده ساختن دانش‌آموز برای پیشه آینده

فیلسوفان باستان مشاهده نشده است با توجه به مطالعه اسناد و منابع و اطلاعات گردآوری شده نمی‌توان با قطعیت در مورد باز بودن دیدگاه‌های فیلسوفان باستان در مورد هدف نظر داد ولی می‌توان میزان باز بودن را به صورت یک پیوستار از بسته بودن تا باز بودن تصور کرد که هر کدام از مقوله‌ها در نقاطی از این پیوستار مابین بسته بودن و باز بودن قرار دارند.

۲. معلم: برای بررسی میزان نزدیکی دیدگاه فیلسوفان باستان (سقراط، افلاطون و ارسطو) در مورد معلم به مفاهیم پداگوژی باز زیر مقوله‌های مقوله معلم در جدول زیر آورده می‌شود.

بررسی زیر مقوله‌های جدول فوق نشان می‌دهد که در ارتباط باهدف تعلیم و تربیت مفهوم پداگوژی به صورت باز در اندیشه‌های فیلسوفان باستان وجود داشته است. آن‌ها هم به رشد و شکوفایی همه استعدادها، شناخت توانایی‌ها و استعدادها، یادگیری مادام‌العمر، اجتماعی شدن و تعامل، تلاش برای حذف نابرابری فرصت‌ها، توانمندسازی دانش‌آموزان و آموزش بر اساس توانایی دانش‌آموزان تأکید داشتند ولی در بعضی از موارد مانند تولید مصنوعات و اشتراک‌گذاری آنها، تأکید بر فرایند ایجاد و تولید منابع و مشارکت یادگیرنده در فرایند اجتماعی توسعه دانش تأکیدی در دیدگاه

جدول ۲. زیر مقوله‌های مربوط به مقوله معلم

مقوله اصلی	زیر مقوله‌ها در پداگوژی باز	زیر مقوله‌ها در دیدگاه فیلسوفان باستان
معلم	تشویق و ترغیب برای یادگیری از همسالان- استفاده از فناوری برای طراحی خلاقانه- اشتراک‌گذاری منابع برای تقویت یادگیری- عمل در فرایند تدریس خود به صورت باز- استفاده از رویکردهای باز- از بین بردن موانع یادگیری- طراحی یادگیری باز و اشتراک‌گذاری ایده‌ها- طراحی فعالیت‌های تدریس- تسهیل اشتراک‌گذاری منابع- استفاده از منابع آموزشی دیگران- ایجاد دانش از طریق همکاری دانش‌آموزان- استفاده از شیوه‌های ارزشیابی مشارکتی و همسالان- آشنا با ویژگی‌ها و خصوصیات و شرایط روانی دانش‌آموزان- درگیر کردن دانش‌آموز در ارزیابی- رعایت حریم خصوصی دانش‌آموز- طراحی با همکاری دانش‌آموزان و همکاران- اطمینان از قابل‌استفاده بودن منابع-	راهنمایی و هدایت‌گر و کمک‌کننده به دانش‌آموز برای زایش فکر و کشف حقیقت و مشهود شدن معرفت درونی- محرک دانش‌آموز برای تفکر- توجه به توان فردی- وظیفه بیدار کردن روح دانش‌آموز و آگاه ساختن او- پرداختن به آموزش بدون چشم‌داشت- ترغیب دانش‌آموز برای پرسیدن- فراهم کردن محیط مناسب برای یادگیری- مظهر کاملی از عالی‌ترین ارزش‌های فرهنگی- فرد متخصص در موضوع درسی و فن تربیت- رابطه صمیمانه بین معلم و دانش‌آموز- معلم نماینده و الگو و پخته فرهنگ است- نقش مهم‌تری در سیستم آموزشی دارد- آشنایی با مراحل

اتصال‌دهنده محیط‌های یادگیری - داشتن ارتباط دوستانه تسهیل یادگیری - تسلط به شماری از روش‌های تدریس - توجه گرایانه - ایجاد انگیزه در دانش آموزان - راهنما و هدایت‌کننده - به شرایط روانی اخلاقی دانش آموز  
تدریس بر اساس توانایی دانش آموزان

استفاده از شیوه‌های ارزشیابی مشارکتی و همسالان، درگیر کردن دانش‌آموز در ارزیابی، طراحی با همکاری دانش آموزان و همکاران، اطمینان از قابل‌استفاده بودن منابع و اتصال‌دهنده محیط‌های یادگیری تأکیدی در دیدگاه فیلسوفان باستان مشاهده نشده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود نمی‌توان با قطعیت در مورد باز بودن دیدگاه‌های فیلسوفان باستان در مورد معلم نظر داد ولی می‌توان میزان باز بودن را به صورت یک پیوستار از بسته بودن تا باز بودن تصور کرد که هرکدام از مقوله‌ها در نواحی از این پیوستار مابین بسته بودن و باز بودن قرار دارند.

۳. دانش‌آموز: برای بررسی میزان نزدیکی دیدگاه فیلسوفان باستان (سقراط، افلاطون و ارسطو) در مورد دانش‌آموز به مفاهیم پداگوژی باز زیر مقوله‌های مقوله دانش‌آموز در جدول زیر آورده می‌شود.

بررسی زیر مقوله‌های جدول فوق نشان می‌دهد که در ارتباط با معلم، مفهوم پداگوژی به صورت باز در اندیشه‌های فیلسوفان باستان وجود داشته است از جمله به زیر مقوله‌هایی مانند: از بین بردن موانع یادگیری، طراحی فعالیت‌های یادگیری، داشتن رابطه تسهیل گرایانه و صمیمانه بین معلم و دانش‌آموز، ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان، راهنما و هدایت‌کننده بودن، تدریس بر اساس توانایی دانش‌آموزان و آشنا با ویژگی‌ها و خصوصیات و شرایط روانی دانش‌آموزان تأکید داشتند. در زیر مقوله‌هایی مانند: تشویق و ترغیب برای یادگیری از همسالان، استفاده از فناوری برای طراحی خلاقانه، اشتراک‌گذاری منابع برای تقویت یادگیری، عمل در فرایند تدریس خود به صورت باز، استفاده از رویکردهای باز، طراحی یادگیری باز و اشتراک‌گذاری ایده‌ها، تسهیل اشتراک‌گذاری منابع، استفاده از منابع آموزشی دیگران، ایجاد دانش از طریق همکاری دانش‌آموزان،

جدول ۳. زیر مقوله‌های مربوط به مقوله دانش‌آموز

مقوله اصلی	زیر مقوله‌ها در پداگوژی باز	زیر مقوله‌ها در دیدگاه فیلسوفان باستان
دانش‌آموز	قابل‌اعتماد در فرایند یادگیری - کشف بر اساس علاقه خود - عدم بیگانگی با موضوع - یادگیری بدون کسالت و خستگی - انسان روشنفکر - در حال رقابت - به صورت مادام‌العمر یاد می‌گیرد - ایجاد و انتشار منابع یادگیری - آزاد در انتخاب دوره - آزاد در انتخاب مدت تحصیل - آزاد برای حضور در کلاس - بر اساس سرعت و توان شخصی یاد می‌گیرد - از همسالان یاد می‌گیرد - اعتماد به نفس و استقلال دارد - از فناوری برای نوآوری و خلاقیت استفاده می‌کند - عدم مشارکت در جامعه یادگیری باز به خاطر ترس از انتقاد همسالان - انتشار تولیدات برای همه مخاطبین - ایجاد دانش با همکاری معلم و سایر دانش‌آموزان - انتخاب تجارب یادگیری و اصلاح منابع و مواد یادگیری - ایجادکننده محیط دانشی - دارای انگیزه است - محور همه فعالیت‌ها - علاقه مند به یادگیری	از عقل توقع بیش‌ازحد ندارد - با استفاده از روش پرسش و پاسخ به انتخاب عاقلانه ارزش‌ها می‌پردازد (ارزیابی ارزش‌ها) - فرد مستقل است - آگاهی به محدودیت‌های خود با به کارگیری روش سقراطی - با رفع محدودیت‌های خود برانگیخته می‌شوند - به توانایی خویش آگاهی دارد - اندیشه و ایده‌های خود را منتشر می‌کند - یک موجود بالقوه است - استعداد‌های خود را کشف می‌کند - دارای استعداد فلسفی است - از لحاظ روحی و بدنی در سطح مناسب است - توانایی یادگیری دارد - تمایل به یادگیری دارد - انگیزه قوی دارد - از حقوق انسانی، خودفرمانی، خودشکوفایی و خودسازمانی برخوردار است.

همه مخاطبین، ایجاد دانش با همکاری معلم و سایر دانش‌آموزان، انتخاب تجارب یادگیری و اصلاح منابع و مواد یادگیری، ایجادکننده محیط دانشی و محور همه فعالیت‌ها تأکیدی در دیدگاه فیلسوفان باستان مشاهده نشده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود تعداد کمی از زیر مقوله‌های مقوله دانش‌آموز به صورت باز در اندیشه فیلسوفان باستان بوده است چند مورد که به صورت باز بوده در مورد آنها هم نمی‌توان با قطعیت در مورد باز بودنشان در دیدگاه‌های فیلسوفان باستان نظر داد ولی می‌توان میزان باز بودن را به صورت یک پیوستار از بسته بودن تا باز بودن تصور کرد که هرکدام از مقوله‌ها در نواحی از این پیوستار مابین بسته بودن و باز بودن قرار دارند.

۴. روش تدریس: برای بررسی میزان نزدیکی دیدگاه فیلسوفان باستان (سقراط، افلاطون و ارسطو) در مورد روش تدریس به مفاهیم

بررسی زیر مقوله‌های جدول فوق نشان می‌دهد که در ارتباط با دانش‌آموز، مفهوم پداگوژی به صورت باز در اندیشه‌های فیلسوفان باستان وجود داشته است از جمله به زیر مقوله‌هایی مانند: کشف بر اساس علاقه خود، اعتماد به نفس و استقلال دارد، دارای انگیزه، علاقه مند به یادگیری تأکید داشتند. در زیر مقوله‌هایی مانند: قابل‌اعتماد در فرایند یادگیری، عدم بیگانگی با موضوع، یادگیری بدون کسالت و خستگی، انسان روشنفکر، در حال رقابت، به صورت مادام‌العمر یاد می‌گیرد، ایجاد و انتشار منابع یادگیری، آزاد در انتخاب دوره، آزاد در انتخاب مدت تحصیل، آزاد برای حضور در کلاس، یادگیری بر اساس سرعت و توان شخصی، از همسالان یاد می‌گیرد، از فناوری برای نوآوری و خلاقیت استفاده می‌کند، عدم مشارکت در جامعه یادگیری باز به خاطر ترس از انتقاد همسالان، انتشار تولیدات برای

پداگوژی باز زیر مقوله‌های مقوله روش تدریس در جدول زیر آورده می‌شود.

جدول ۴. زیر مقوله‌های مربوط به مقوله روش تدریس

مقوله اصلی	زیر مقوله‌ها در پداگوژی باز	زیر مقوله‌ها در دیدگاه فیلسوفان باستان
روش تدریس	کلاس‌های باز برای بحث و گفتگو- استفاده از فناوری برای ارائه- تعامل زیاد دانش‌آموزان- همکاری دانش‌آموز موجب پیشرفت و افزایش بینش سایرین می‌شود- تأکید بر مشارکت یادگیرنده- انعطاف‌پذیری حضور در کلاس- نداشتن محدودیت‌های کلاس‌های بسته- ایجاد خلاقیت از طریق مشارکت- راهنمای دانش‌آموزان کم‌تجربه به وسیله دانش‌آموزان باتجربه‌تر- استفاده از فناوری جهت خلاقانه ساختن تدریس- استفاده از روش‌های آزاد برای همکاری- تقویت کار جمعی برای تولید مصنوعات - روش تدریس مبتنی بر کاوش- یادگیری معلم و دانش‌آموز از همدیگر- تدریس فردی	تشویق به کاوش در دنیای اطراف - پرسش و زایش - روش اکتشافی- روش گفت‌و شنود - فعال بودن دانش‌آموز (روش فعال)- استفاده از روش بن‌بست برای تحریک کنجکاوی و ایجاد انگیزش- یادگیری متقابل دانش‌آموز و معلم- روش یادآوری- یادگیری از طریق بازی- استفاده از روش عادت- تقلید از الگوها- روش نمایشی و نقش‌آفرینی- روش جدل- استفاده از تشویق و ترغیب - استفاده از بازی و اسباب‌بازی- ارائه مطالب از ساده به پیچیده- استفاده از تجربه- روش سخنرانی- روش آزمایش- انتخاب روش تدریس بر اساس سابقه دانش‌آموز و موقعیت آموزشی.

مصنوعات تأکیدی در دیدگاه فیلسوفان باستان مشاهده نشده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود تعداد کمی از زیر مقوله‌های مقوله روش تدریس به صورت باز در اندیشه فیلسوفان باستان بوده است چند مورد که به صورت باز بوده در مورد آنها هم نمی‌توان با قطعیت در مورد باز بودنشان در دیدگاه‌های فیلسوفان باستان نظر داد ولی می‌توان میزان باز بودن را به صورت یک پیوستار از بسته بودن تا باز بودن تصور کرد که هرکدام از مقوله‌ها در نقاطی از این پیوستار مابین بسته بودن و باز بودن قرار دارند.

۵. محتوا و موضوع: برای بررسی میزان نزدیکی دیدگاه فیلسوفان باستان (سقراط، افلاطون و ارسطو) در مورد محتوا و موضوع به مفاهیم پداگوژی باز زیر مقوله‌های مقوله محتوا و موضوع در جدول زیر آورده می‌شود.

بررسی زیر مقوله‌های جدول فوق نشان می‌دهد که در ارتباط با تدریس، مفهوم پداگوژی به صورت باز در اندیشه‌های فیلسوفان باستان وجود داشته است از جمله به زیر مقوله‌هایی مانند: کلاس‌های باز برای بحث و گفتگو، تأکید بر مشارکت یادگیرنده، روش تدریس مبتنی بر کاوش، یادگیری معلم و دانش‌آموز از همدیگر تأکید داشتند. در زیر مقوله‌هایی مانند: استفاده از فناوری برای ارائه، تعامل زیاد دانش‌آموزان، همکاری دانش‌آموز موجب پیشرفت و افزایش بینش سایرین می‌شود، انعطاف‌پذیری حضور در کلاس، نداشتن محدودیت‌های کلاس‌های بسته، ایجاد خلاقیت از طریق مشارکت، راهنمای دانش‌آموزان کم‌تجربه به وسیله دانش‌آموزان باتجربه‌تر، استفاده از فناوری جهت خلاقانه ساختن تدریس، استفاده از روش‌های آزاد برای همکاری و تقویت کار جمعی برای تولید

جدول ۵. زیر مقوله‌های مربوط به مقوله محتوا و موضوع

مقوله اصلی	زیر مقوله‌ها در پداگوژی باز	زیر مقوله‌ها در دیدگاه فیلسوفان باستان
محتوا و موضوع	بر اساس علاقه دانش‌آموز- بر اساس میزان پیشرفت دانش‌آموز- با توجه به نیازها و تجربیات دانش‌آموز- محتوای باز- دسترسی آزاد به محتوا- انعطاف‌پذیری- اشتراک گذاری آزاد- اشتراک گذاری به وسیله فناوری- تولید محتوا با همکاری سایر دانش‌آموزان- تولید محتوا با همکاری معلم- تولید محتوا به صورت خودآموز	آموزش نظامی- دانش‌هایی که موجب شکوفا شدن قدرت تفکر می‌شود- حساب، هندسه، ستاره‌شناسی، دستور زبان و نقاشی- تمرین‌ها و ورزش‌ها- موسیقی، داستان‌سرایی و شعر- عادت دادن به بازی- پرورش قوای جسمانی- آموزش خواندن نوشتن- آموزش فلسفه- توجه به سودمندی موضوعات در گزینش- بازی‌ها و اسباب‌بازی‌ها.

محتوای باز، دسترسی آزاد به محتوا، انعطاف‌پذیری، اشتراک گذاری آزاد، اشتراک گذاری به وسیله فناوری، تولید محتوا با همکاری سایر دانش‌آموزان، تولید محتوا با همکاری معلم و تولید محتوا به صورت خودآموز عموماً با زیر مقوله‌های مقوله محتوا و موضوع در اندیشه فیلسوفان باستان متفاوت است که شامل: آموزش نظامی، دانش‌هایی

بررسی زیر مقوله‌های جدول فوق نشان می‌دهد که در ارتباط با محتوا و موضوع، مفهوم پداگوژی به صورت باز در اندیشه‌های فیلسوفان باستان وجود نداشته است. زیر مقوله‌های مقوله محتوا و موضوع در پداگوژی باز شامل: بر اساس علاقه دانش‌آموز، بر اساس میزان پیشرفت دانش‌آموز، با توجه به نیازها و تجربیات دانش‌آموز،

مقوله‌ها در دیدگاه فیلسوفان باستان می‌شود فهمید که اکثر این زیر مقوله‌ها می‌توانند به‌عنوان زیر مقوله‌های پنهان در پداگوژی باز باشند که آشکارا در اسناد مورد مطالعه ذکر نشده‌اند.

۶. برنامه‌ریزی: برای بررسی میزان نزدیکی دیدگاه فیلسوفان باستان (سقراط، افلاطون و ارسطو) در مورد برنامه‌ریزی به مفاهیم پداگوژی باز زیر مقوله‌های مقوله برنامه‌ریزی در جدول زیر آورده می‌شود.

که موجب شکوفا شدن قدرت تفکر می‌شود، حساب، هندسه، ستاره‌شناسی، دستور زبان و نقاشی، تمرین‌ها و ورزش‌ها، موسیقی، داستان‌سرایی و شعر، عادت دادن به بازی، پرورش قوای جسمانی، آموزش خواندن نوشتن، آموزش فلسفه، توجه به سودمندی موضوعات در گزینش و بازی‌ها و اسباب‌بازی‌ها می‌باشد. باید توجه کرد که این زیر مقوله‌ها مستخرج از اسناد و منابعی است مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار گرفته با دقت بیشتر در زیر

جدول ۶. زیر مقوله‌های مربوط به مقوله برنامه‌ریزی

مقوله اصلی	زیر مقوله‌ها در پداگوژی باز	زیر مقوله‌ها در دیدگاه فیلسوفان باستان
برنامه‌ریزی	برنامه‌ریزی قبل از شروع دوره - تمرکز بر روی همکاری - مشخص کردن محتوا - تعیین دروس و ابزار - تعیین استراتژی‌های تدریس - تعیین وظایف معلمان و مربیان - تعیین منابع دروس - تأمل و مستندسازی نحوه گذراندن دوره - طراحی دوره‌های آموزشی با همکاری دانش آموزان و معلمان	برنامه‌ریزی در حد عقل دانش‌آموز - توجه به زیبا واقعی و هنر اصیل - توجه به توانایی‌های دانش آموزان در محیط یادگیری - برنامه‌ریزی به صورت جامع - توجه به رشد و تحولات روانی - برنامه باید به ارزش‌های مورد قبول جامعه توجه کند - عدم افراط و تفریط در برنامه‌ها - تعیین منابع دروس - پرداختن به موسیقی نقاشی برای تلطیف روح و درک زیبایی - توجه به اوقات فراغت - برنامه درسی باید با الگوهای رشد کمال آدمی هم‌خوانی داشته باشد - توجه به موضوعات فکری

دیدگاه فیلسوفان باستان مشاهده نشده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود تعداد کمی از زیر مقوله‌های مقوله برنامه‌ریزی به صورت باز در اندیشه فیلسوفان باستان بوده است چند مورد که به صورت باز بوده در مورد آنها هم نمی‌توان با قطعیت در مورد باز بودنشان در دیدگاه‌های فیلسوفان باستان نظر داد ولی می‌توان میزان باز بودن را به صورت یک پیوستار از بسته بودن تا باز بودن تصور کرد که هر کدام از مقوله‌ها در نقاتی از این پیوستار مابین بسته بودن و باز بودن قرار دارند.

بررسی زیر مقوله‌های جدول فوق نشان می‌دهد که در ارتباط با برنامه‌ریزی، مفهوم پداگوژی به صورت باز در اندیشه‌های فیلسوفان باستان وجود داشته است از جمله به زیر مقوله‌هایی مانند: طراحی برنامه‌های درسی بر اساس توان دانش آموزان، مشخص کردن محتوا، پذیرش تکامل و پیشرفت سال به سال دوره‌ها و تعیین منابع دروس تأکید داشتند. در زیر مقوله‌هایی مانند: برنامه‌ریزی قبل از شروع دوره، تمرکز بر روی همکاری، تعیین دروس و ابزار، تعیین استراتژی‌های تدریس، تعیین وظایف معلمان و مربیان، تأمل و مستندسازی نحوه گذراندن دوره، طراحی دوره‌های آموزشی با همکاری دانش آموزان و معلمان، ایجاد شرایط جدید و ایده‌های تازه طراحی دوره و تمرکز طراحی بر روی فرایند نه نتایج تأکیدی در

۷. مدرسه: برای بررسی میزان نزدیکی دیدگاه فیلسوفان باستان (سقراط، افلاطون و ارسطو) در مورد مدرسه به مفاهیم پداگوژی باز زیر مقوله‌های مقوله مدرسه در جدول زیر آورده می‌شود.

جدول ۷. زیر مقوله‌های مربوط به مقوله مدرسه

مقوله اصلی	زیر مقوله‌ها در پداگوژی باز	زیر مقوله‌ها در دیدگاه فیلسوفان باستان
مدرسه	غیررسمی بودن - توجه به نیازها، علاقه و ترجیحات دانش‌آموز - سیستم آموزشی دموکراتیک و رقابتی - دسترسی آسان آموزش - دسترسی عمومی به آموزش - ارائه خدمات آموزشی متناسب با زمینه‌های محلی - ادغام آموزش در زندگی - توجه به همه نیازها - فرهنگ مشارکتی - استفاده از فناوری مشارکتی و رسانه‌های اجتماعی - توانمندسازی دانش آموزان برای رهبری و حل مشکلات - دانش آموز محور - استفاده از تجهیزات آموزشی - محدود نبودن به محیط خاص	رسمی و غیررسمی - فاقد تجهیزات آموزشی - توجه به برخی نیازهای جدید - آموزش در محل‌های عمومی - شروع آموزش از جایی که مورد علاقه دانش‌آموزان - آموزش مختص طبقه خاصی نیست - آموزش بدون محدودیت جنسی - توجه به آموزش‌های نظری و عملی - جامعه به عنوان محیط تربیتی - متمرکز و با نظارت دولت - اداره مدرسه توسط افراد باصلاحیت - رسالت مدرسه توسعه عقلانی انسان - وظیفه انتقال حیطه‌های دانش و مهارت‌های پژوهشی

باستان وجود داشته است از جمله به زیر مقوله‌هایی مانند: غیررسمی بودن، توجه به نیازها، علاقه و ترجیحات دانش‌آموز، دسترسی

بررسی زیر مقوله‌های جدول فوق نشان می‌دهد که در ارتباط با مدرسه، مفهوم پداگوژی به صورت باز در اندیشه‌های فیلسوفان

در دیدگاه‌های فیلسوفان باستان نظر داد ولی می‌توان میزان باز بودن را به صورت یک پیوستار از بسته بودن تا باز بودن تصور کرد که هرکدام از مقوله‌ها در نقاطی از این پیوستار مابین بسته بودن و باز بودن قرار دارند. در مورد سیر تکوین پداگوژی باز در مورد مدرسه می‌توان گفت، درست است که فیلسوفان به صورت باز می‌اندیشیدند ولی شرایط زمانی و امکانات موجود و تفکرات دست‌اندرکاران و عوامل دیگر اجازه باز بودن را در سیستم آموزشی نمی‌داد. مدرسه در نظام آموزشی به صورت سنتی اداره می‌شد.

۸. ارزشیابی: برای بررسی میزان نزدیکی دیدگاه فیلسوفان باستان (سقراط، افلاطون و ارسطو) در مورد ارزشیابی به مفاهیم پداگوژی باز زیر مقوله‌های مقوله ارزشیابی در جدول زیر آورده می‌شود.

عمومی به آموزش، محدود نبودن به محیط خاص، ادغام آموزش در زندگی تأکید داشتند. در زیر مقوله‌هایی مانند: سیستم آموزشی دمکراتیک و رقابتی، دسترسی آسان آموزش، ارائه خدمات آموزشی متناسب با زمینه‌های محلی، توجه به همه نیازها، فرهنگ مشارکتی، استفاده از فناوری مشارکتی و رسانه‌های اجتماعی، توانمندسازی دانش‌آموزان برای رهبری و حل مشکلات، دانش‌آموز محور و استفاده از تجهیزات آموزشی تأکیدی در دیدگاه فیلسوفان باستان مشاهده نشده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود تعداد کمی از زیر مقوله‌های مقوله مدرسه نسبت به دیدگاه فیلسوفان به صورت باز در اندیشه فیلسوفان باستان بوده است چند مورد که به صورت باز بوده در مورد آنها هم نمی‌توان با قطعیت در مورد باز بودنشان

جدول ۸. زیر مقوله‌های مربوط به مقوله ارزشیابی

مقوله اصلی	زیر مقوله‌ها در پداگوژی باز	زیر مقوله‌ها در دیدگاه فیلسوفان باستان
ارزشیابی	شیوه‌های ارزشیابی باز نظیر گرفتن بازخورد از همسالان-ارزشیابی مشارکتی- استفاده از پوشه کار الکترونیکی- ارزشیابی متناسب با توانایی‌ها و پیشرفت‌های دانش‌آموز- ارزشیابی به صورت توصیفی و کیفی- خودارزشیابی- ارزشیابی مکرر و مداوم- ارزشیابی تیمی	ارزشیابی خود برای شناسایی محدودیت‌ها و کاستی‌ها (خودآزمایی) - استفاده از امتحانات دوره‌ای - گزینش در مراحل مختلف تربیتی به وسیله ارزشیابی میزان توانایی دانش‌آموز - آزمون عملی

۹. منابع: برای بررسی میزان نزدیکی دیدگاه فیلسوفان باستان (سقراط، افلاطون و ارسطو) در مورد منابع به مفاهیم پداگوژی باز زیر مقوله‌های مقوله منابع در جدول زیر آورده می‌شود.

بررسی زیر مقوله‌های جدول فوق نشان می‌دهد که در ارتباط با ارزشیابی به غیر از خود ارزشیابی هیچ کدام از زیر مقوله‌های پداگوژی باز در اندیشه فیلسوفان باستان نبوده ارزشیابی بیشتر بصورت سنتی انجام می‌گرفت.

جدول ۹. زیر مقوله‌های مربوط به مقوله منابع

مقوله اصلی	زیر مقوله‌ها در پداگوژی باز	زیر مقوله‌ها در دیدگاه فیلسوفان باستان
منابع	کتاب درسی باز- اشتراک‌گذاری آزاد تجربیات اسناد، ایده‌ها، دانش، روش‌ها، زمینه‌ها و ابزارها- ایجاد منابع توسط دانش‌آموز- دسترسی به ایده‌های دیگران- استفاده از منابع باز- استفاده مجدد از منابع- انتخاب منابع و مواد بهینه یادگیری- به اشتراک‌گذاری منابع از طریق فناوری- بررسی منابع مشترک به وسیله همسالان منجر به منابع باکیفیت بهتر و باارزش‌تر می‌شود- تأکید بر فرایند ایجاد منابع- تولید منابع با همکاری دانش‌آموز و معلم- قابل استفاده بوده و برای همه- منابع خودآموز- هزینه کمتر منابع باز- میزان دسترسی به منابع و قابلیت‌های فردی بستگی دارد.	اطلاعات ذهنی دانش‌آموز - کتاب و نوشته‌ها - افسانه‌های بزرگ ملی - شعرها و سروده‌ها - اطلاعات ذهنی معلم

است همانطور نتایج نشان می‌دهد در بعضی از مقوله‌ها بیشتر و در بعضی از مقوله‌ها کمتر به مفاهیم پداگوژی باز توجه شده و در بعضی دیگر زیاد مورد توجه نبوده است.

#### نتیجه‌گیری

پداگوژی هنر و علم آموزش است. معمولاً به عنوان رویکرد به آموزش شناخته می‌شود، بیشتر به نظریه و تمرین آموزش و نحوه تأثیرگذاری بر رشد دانش‌آموزان و به عنوان یک رشته تحصیلی، به بررسی نحوه برخورد با دانش و مهارت در یک زمینه آموزشی و تعاملاتی که در طول یادگیری اتفاق می‌افتد می‌پردازد (۳۳). نظام

بررسی زیر مقوله‌های جدول فوق نشان می‌دهد که در ارتباط با منابع تقریباً هیچ کدام از زیر مقوله‌های پداگوژی باز در اندیشه فیلسوفان باستان نبوده، منابع بیشتر محدود به کتاب و نوشتجات، اطلاعات ذهنی معلم و دانش‌آموز و افسانه‌ها و شعرها و سرودها بوده است همین چند مورد هم در پداگوژی باز به صورت باز تر مورد توجه بوده است.

با توجه به نتایج بدست آمده در مقوله‌های اصلی می‌توان به سوال پژوهش به این صورت جواب داد که پداگوژی باز امروزه خیلی مورد توجه قرار گرفته ولی ریشه و اساس آن در اندیشه فیلسوفان دوران باستان بوده و شدت و ضعف‌هایی در مقوله‌های مختلف داشته

ساختن آنها برای زمامداری در یک جامعه آرمانی یعنی جامعه‌ای مبتنی بر عدالت و حکمت است. یا معتقد است مهم‌ترین هدف کشف استعداد و قابلیت‌های طبیعی در افراد، صرف‌نظر از وضع طبقاتی آنان و نیز پرورش آنان برای تحقق اهداف سیاسی و اجتماعی است (۱۵) ارسطو بر آن است که تربیت شرط لازم واقعیت یافتن کمال انسانی است هدف از تعلیم و تربیت از نظر ارسطو آموختن مهارت‌های عملی (تجربی) و زندگی خوب همراه با خوشبختی و دستیابی به فضیلت اخلاقی است. ارسطو معتقد است هدف آموزش و پرورش باید در جهت رساندن فرد و جامعه به حداکثر سعادت باشد (زیبا کلام، ۲۰۰۶). این دیدگاهها به‌عنوان نمونه ذکر شد نشان می‌دهد که می‌توان گفت که مفهوم پداگوژی باز در لابه‌لای نظرات تربیتی فیلسوفان دوران باستان بوده آنها در آن دوران به‌صورت باز در مورد تعلیم و تربیت می‌اندیشیدند همان‌طور که در بیان یافته‌های پژوهش ذکر شد درجه باز بودن این دیدگاهها باید بر روی پیوستاری از بسته بودن تا باز بودن در نظر گرفت که می‌تواند در نقاطی از این پیوستار قرار گیرد.

در مورد سیر تکوین پداگوژی باز در مورد هدف می‌توان گفت، درست است که فیلسوفان به‌صورت باز می‌اندیشیدند ولی شرایط زمانی و امکانات موجود و تفکرات دست‌اندرکاران و عوامل دیگر اجازه باز بودن را در سیستم آموزشی نمی‌داد. اهداف در نظام آموزشی به‌صورت بسته و سنتی دنبال می‌شدند.

نتایج پژوهش در حوزه مقوله معلم نشان می‌دهد فیلسوفان دوران باستان در حیطه معلم در بعضی از زیر مقوله‌ها دارای نگاه باز هستند. سقراط معتقد است معلم فقط نقش راهنمای دانش‌آموز در فرآیند کشف را دارد. تسلط معلم برای او تشویق نمی‌شد زیرا یادگیرنده باید خودش کشف کند. در دیدگاه افلاطون معلم از اهمیت بالایی برخوردار است، معلم الگو و نماینده پخته فرهنگ است و گزینش او کمال اهمیت را دارد. او باید مظهر ارزش‌ها باشد، دانش‌آموزان را دوست بدارد و شخصی بانگیزه و پرشور باشد معلم باید بداند هر زمان که یادگیری اتفاق می‌افتد، او نمی‌تواند حاضر باشد پس باید تلاش کند تا دانش‌پژوهان را به‌گونه‌ای برانگیزد، حتی زمانی که معلم حضور ندارد یادگیری ادامه داشته باشد روش پروژه ممکن است یکی از نمونه‌هایی عینی خود فعال بودن باشد ارسطو وظیفه‌ای یک مربی را ملاحظه شرایط روانی و اخلاقی طبیعت شاگرد می‌داند دانستن از دیدگاه ارسطو یعنی شناختن راه خود نه راه هر شخص دیگر؛ زیرا فردی که آگاه است می‌تواند خودش را در خلال رشد و یادگیری پیشرفت دهد (۳۶). همچنین معلم باید پیشینه دانش‌آموزان خویش و چگونگی ایجاد انگیزه را در آنان بشناسد و می‌تواند فردی جالب و مطلع باشد؛ اما ضروری است که انتقال‌دهنده دانش نیز باشد. دیدگاههای ذکر شده فیلسوفان به‌عنوان نمونه نشان می‌دهد نگرش این فیلسوفان به معلم در دوران باستان در بعضی موارد به‌صورت باز بوده است می‌توان گفت که مفهوم پداگوژی باز در حیطه معلم هم در اندیشه فیلسوفان وجود داشته است. بازهم میزان باز بودن را باید بر روی یک پیوستاری از بسته بودن و باز بودن در نظر گرفت.

آموزشی برای پاسخگویی به نیازهای جامعه، تربیت نیروی انسانی متخصص، متفکر، متعهد، خلاق و فرهیخته و برای رسیدن به اهداف خودش باید از پداگوژی مناسب با شرایط خود، فناوری‌ها آموزشی و از فرایندهای یاددهی - یادگیری مطلوب استفاده نماید.

پداگوژی باز با ایجاد یک سیستم آموزشی دموکراتیک‌تر و رقابتی، با پتانسیل بهبود دسترسی به آموزش، توسعه و بومی‌سازی خدمات آموزشی باز متناسب با زمینه‌های محلی و تقویت ادغام آموزش در زندگی روزمره به‌عنوان بخشی از یادگیری مادام‌العمر، پتانسیل افزایش کیفیت، دسترسی و جذابیت آموزش را دارد. ولر خاطر نشان می‌کند که باز بودن به بحث محوری آموزش تبدیل شده است (۳۴). پداگوژی باز در آموزش عالی یک شیوه آکادمیک است که بر فلسفه به اشتراک گذاشتن آزادانه ایده‌ها، دانش، روش‌ها، زمینه‌ها، ابزارها، رویکردها و مطالب مورد استفاده در یادگیری و تدریس تأکید دارد. از طریق پیشرفت‌های مشترک در منابع و تکنیک‌ها، می‌توان کیفیت را تا حد قابل‌توجهی افزایش داد (۳۵).

برای اینکه نظام آموزشی بتواند به یک نظام آموزشی جدید تبدیل‌شده و مشکلات و مسائل نسل جدید آموزشی را حل کند، باید دارای مبانی فلسفی و نظری برای پداگوژی که بکار می‌گیرد باشد؛ و نیازمند توجه به ملاحظات مربوط به زیرساخت‌های فناورانه، زیرساخت پداگوژیکی، زیرساخت اجتماعی فرهنگی، مدیریتی، اداری پشتیبانی و اقتصادی می‌باشد. برنامه‌های درسی، روش‌های تدریس و ارزشیابی، مفاهیم یاد دهنده یادگیرنده، محتوا و مفهوم زمان و مکان و حتی ساختار و قوانین نظام‌های آموزشی، تأثیرات عمیقی از فلسفه و نظرات فیلسوفان تربیتی می‌پذیرند. هر یک از عناصر در آموزش باز با توجه به فلسفه حاکم بر آن دارای ویژگی منحصر به فرد خود است. فیلسوفان با داشتن ذهن پویا و منسجم با ارائه نظریه‌هایی درباره ماهیت انسان، جامعه و جهان، ماهیت شناخت، رشد فکری و عقلانی شاگردان راهنمای عمل تربیت هستند و به حل مسائل تربیتی و آموزشی کمک می‌کنند و روش‌های درست پداگوژی را نشان می‌دهند برای شناخت پداگوژی‌های هر دوره و کاربرد آن در عمل باید دیدگاه‌های فیلسوفان آن دوره را بررسی کرد و دید که فیلسوفان در مورد پداگوژی چه نگرش‌های داشتند تا با الهام از دیدگاه آنها تعلیم و تربیت مناسب و مطلوب را ارائه داد. همان‌طور که مشخص است امروزه نظام‌های آموزشی با توجه به ضرورت زیاد مورد توجه قرار گرفته است برای ارائه آموزش مناسب باید مبانی فلسفی و پداگوژی مورد تأکید نظام‌های آموزشی از دیدگاه فیلسوفان مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به تأثیر عمیق نظرات فیلسوفان تربیتی بر نظام‌های آموزشی این پژوهش باهدف بررسی مفهوم پداگوژی باز در اندیشه فیلسوفان باستان انجام گرفت پس از طرح سؤال پژوهش، محقق به بررسی ادبیات پژوهش، جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آنها پرداخت.

نتایج پژوهش در حوزه مقوله هدف نشان می‌دهد فیلسوفان دوران باستان در حیطه هدف در بعضی از زیر مقوله‌ها دارای نگاه باز هستند. سقراط معتقد است که تربیت باید دانش‌هایی را که موجب شکوفا شدن قدرت تفکر انسان می‌شود در اختیار وی بگذارد. به نظر افلاطون هدف عمده تربیت، کشف استعدادها و برجسته و آماده

نیدند. باید توجه کرد که این زیر مقوله‌ها مستخرج از اسناد منابعی است مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار گرفته با دقت بیشتر در زیر مقوله‌ها در دیدگاه فیلسوفان باستان می‌شود فهمید که اکثر این زیر مقوله‌ها می‌توانند به‌عنوان زیر مقوله‌های پنهان در پداگوژی باز باشند که آشکارا در اسناد مورد مطالعه ذکر نشده‌اند.

نتایج پژوهش در حوزه مقوله‌های برنامه‌ریزی و مدرسه نشان می‌دهد فیلسوفان دوران باستان در حیطه‌های برنامه‌ریزی و مدرسه نیز در تعداد کمی از زیر مقوله‌ها دارای نگاه باز هستند در حیطه برنامه‌ریزی در زیر مقوله‌های طراحی برنامه‌های درسی بر اساس توان دانش آموزان، مشخص کردن محتوا، پذیرش تکامل و پیشرفت سال‌به‌سال دوره‌ها و تعیین منابع دروس و در حیطه مدرسه در زیر مقوله‌های غیررسمی بودن، توجه به نیازها، علاقه و ترجیحات دانش‌آموز، دسترسی عمومی به آموزش، محدود نبودن به محیط خاص، ادغام آموزش در زندگی فیلسوفان دوران باستان به‌صورت باز می‌اندیشیدند. می‌توان گفت که مفهوم پداگوژی باز در حیطه‌های برنامه‌ریزی و مدرسه هم در اندیشه فیلسوفان به مقدار کم وجود داشته است. بازهم میزان باز بودن را باید بر روی یک پیوستاری از بسته بودن و باز بودن در نظر گرفت. در مورد سیر تکوین پداگوژی باز در مورد برنامه‌ریزی می‌توان گفت که فیلسوفان دوران باستان به‌طور محدود در مورد این مقوله به‌صورت باز می‌اندیشیدند دید سنتی نسبت به برنامه‌ریزی داشتند. و نیز در مورد سیر تکوین پداگوژی باز در مورد مدرسه می‌توان گفت، درست است که فیلسوفان به‌صورت باز می‌اندیشیدند ولی شرایط زمانی و امکانات موجود و تفکرات دست‌اندرکاران و عوامل دیگر اجازه باز بودن را در سیستم آموزشی نمی‌داد. مدرسه در دوران باستان به‌صورت سنتی اداره می‌شد.

نتایج پژوهش در حوزه مقوله‌های ارزشیابی نشان می‌دهد که در ارتباط با ارزشیابی به‌غیر از خودارزیابی هیچ‌کدام از زیر مقوله‌های پداگوژی باز در اندیشه فیلسوفان باستان نبوده ارزشیابی بیشتر به‌صورت سنتی انجام می‌گرفت.

نتایج پژوهش در حوزه مقوله‌های ارزشیابی نشان می‌دهد که در ارتباط با منابع تقریباً هیچ‌کدام از زیر مقوله‌های پداگوژی باز در اندیشه فیلسوفان باستان نبوده، منابع بیشتر محدود به کتاب و نوشتجات، اطلاعات ذهنی معلم و دانش‌آموز و افسانه‌ها و شعرها و سرودها بوده است همین چند مورد هم در پداگوژی باز به‌صورت باز تر مورد توجه بوده است.

با توجه به اینکه هر فعالیت آموزشی و یاددهی - یادگیری باید بر اساس مبانی نظری و فلسفی پداگوژی انجام گیرد همه دست اندرکاران، پژوهشگران، برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران نظام آموزشی می‌توانند از نتایج این پژوهش جهت آشنایی با مبانی فلسفی پداگوژی باز استفاده کنند و آشنایی با مبانی فلسفی پداگوژی باز موجب ایجاد نگرش و بینش در حوزه تعلیم و تربیت و به‌تبع آن افزایش کیفیت و کارایی در نظام آموزش خواهد شد.

## References

در مورد سیر تکوین پداگوژی باز در مورد معلم می‌توان گفت، درست است که فیلسوفان به‌صورت باز می‌اندیشیدند ولی شرایط زمانی و امکانات موجود و تفکرات دست‌اندرکاران و عوامل دیگر اجازه باز بودن را در سیستم آموزشی نمی‌داد. معلم اکثراً در نظام آموزشی به‌صورت سنتی رفتار می‌کرد مگر در موارد خاص با توجه به ویژگی شخصی معلم به‌صورت باز رفتار می‌کرد.

نتایج پژوهش در حوزه مقوله دانش‌آموز نشان می‌دهد فیلسوفان دوران باستان در حیطه دانش‌آموز در تعداد کمی از زیر مقوله‌ها دارای نگاه باز هستند سقراط به یادگیرنده به‌عنوان موجود بالقوه شناختن چیزی نگاه می‌کرد. معتقد بود آنچه برای او لازم است، قرار گرفتن در معرض روش و فرآیند کشف خود درونی است (سیمو، ۲۰۱۶). شاگرد از دیدگاه افلاطون، چون قبلاً با ایده آشنا است، پس به‌راحتی می‌تواند ایده را به یاد آورد و از آنجا که شیفگی درونی برای رسیدن به ایده دارد، انگیزه لازم برای یادآوری دارد (۲۵). دانش‌آموزان باید متناسب با ظرفیت‌هایشان آموزش ببینند همه آنها نباید دقیقاً تحصیلات یکسانی داشته باشند. (۳۲) یادگیرنده از دیدگاه ارسطو کسی است هم از لحاظ بدنی و هم از لحاظ روحی باید در سطح مناسبی باشد. باید توانایی جذب توصیه‌های مربی را داشته باشد و از طریق همکاری به تمرین‌ها و کوشش لازم بپردازد تا رشد اخلاقی و عقلانی شخصیتش شکل بگیرد. یادگیرنده دارای طبیعت سالم است و تمایل به یادگیری دارد گرایش به تقلید دارد. دیدگاه‌های ذکر شده فیلسوفان به‌عنوان نمونه نشان می‌دهد نگرش این فیلسوفان به دانش‌آموز در دوران باستان در موارد کمی به‌صورت باز بوده است می‌توان گفت که مفهوم پداگوژی باز در حیطه دانش‌آموز هم در اندیشه فیلسوفان به مقدار کم وجود داشته است. بازهم میزان باز بودن را باید بر روی یک پیوستاری از بسته بودن و باز بودن در نظر گرفت. در مورد سیر تکوین پداگوژی باز در مورد دانش‌آموز می‌توان گفت که فیلسوفان دوران باستان به‌طور محدود در مورد این مقوله به‌صورت باز می‌اندیشیدند دید سنتی نسبت به دانش‌آموزان داشتند.

نتایج پژوهش در حوزه مقوله روش تدریس نشان می‌دهد فیلسوفان دوران باستان در حیطه روش تدریس نیز در تعداد کمی از زیر مقوله‌ها دارای نگاه باز هستند برای جلوگیری از طولانی شدن مقاله و اطاله کلام دیدگاه‌های فیلسوفان به‌عنوان نمونه آورده نمی‌شود. کلاس‌های باز برای بحث و گفتگو، تأکید بر مشارکت یادگیرنده، روش تدریس مبتنی بر کاوش، یادگیری معلم و دانش‌آموز از همدیگر در اندیشه‌های تربیتی فیلسوفان باستان به‌صورت باز بودند. می‌توان گفت که مفهوم پداگوژی باز در حیطه روش تدریس هم در اندیشه فیلسوفان به مقدار کم وجود داشته است. بازهم میزان باز بودن را باید بر روی یک پیوستاری از بسته بودن و باز بودن در نظر گرفت. در مورد سیر تکوین پداگوژی باز در مورد روش تدریس می‌توان گفت که فیلسوفان دوران باستان به‌طور محدود در مورد این مقوله به‌صورت باز می‌اندیشیدند دید سنتی نسبت به روش‌های تدریس داشتند.

نتایج پژوهش در حوزه مقوله محتوا و موضوع نشان می‌دهد فیلسوفان دوران باستان در حیطه محتوا و موضوع دارای نگاه باز

the Study and Development of Medical Education, Army University of Medical Sciences, Third Year, No. First.[Persian]

10. Najafi, H.(2012) Pedagogical Principles of Distance Education and Its Theories, Research in Ninth Year Curriculum Planning, Volume 2, Number 7 (consecutive 34) [Persian]

11. Nascimbeni, F. and D, Burgos.(2016) In Search for the Open Educator: Proposal of a Definition and a Framework to Increase Openness Adoption Among University Educators, International Review of Research in Open and Distributed Learning ,Volume 17, Number

12. Bhowmik, M et al(2013) Role of Pedagogy in Effective Teaching, Basic Research Journal of Education Research and Review, ISSN 2315-6872 Vol. 2(1) pp. 01-05 January 2013

13. Najafi Hezar Jaribi, H and S , Koopaei (2017) Designing a Distance Education Management Model for the Iranian Higher Education System, Bi-Quarterly Journal of Higher Education Curriculum Studies, Volume 8, Number 51, Spring and Summer, pp. 60-35[Persian]

14. Khosravi, Forough (2015) Presenting a Conceptual Model of Dominant Social Philosophy in Distance Education and Measuring Its Appropriateness to the Distance Education System of Iran, PhD Thesis, Payame Noor University, Supervisor: Dr. Bahman Saeedipoor. [Persian]

15. Kardan, A. M. (2002) The course of educational views in the West, Tehran, Samat Publications .[Persian]

16. Almasi, A. M.(1998) History of Islam and Iran Education, Tehran, Amirkabir Publications. .[Persian]

17. Chenari, M (2008) The Socratic Method as a Strategy for Citizenship Education, Quarterly Journal of Educational Innovations, No. 27, Seventh Year, Fall, pp. 137-154 .[Persian]

1. Murphy ,M. (2015) Plato's Philosophy of Education and the Common Core, Published by: Lawrence Earlbaum

2. Baldiņs , A. (2016) Insights into e-pedagogy concept development, International Conference; Meaning in Translation: Illusion of Precision, MTIP2016, 11-13 May 2016, Riga, Latvia

3. Cronin, C. (2017). Openness and praxis: exploring the use of open educational practices in higher education. The International Review of Research in Open and Distributed Learning, 18(5).DOI: <http://dx.doi.org/10.19173/irrodl.v18i5.3096>

4. Wiley, D and Hilton, J.(2018) Defining OER-Enabled Pedagogy, International Review of Research in Open and Distributed Learning ,Volume 19, Number 4

5. Hegarty, B. (2015). Attributes of open pedagogy: A model for using open educational resources. Educational Technology, (July – August), 3 – 13.

6. Weller, M. (2013). The battle for open - a perspective. Journal of Interactive Media in Education, 2013(3), Art. 15. doi: <http://doi.org/10.5334/2013-15>

7. Tayfeh Mehdi Khan, H et al. (2018) Study of the effectiveness of pedagogical theater (education) on children's emotional and social intelligence, Journal of Social Psychology, Year 13, Number 48, pp. 85-77.[Persian]

8. Naderi, M. R. and Y, Mansoorian (2014) Finding Information in the Pedagogy of Learning Query Foundation: Preliminary Model Design, Human-Information Interaction, Volume I, Number 3, 204-215[Persian]

9. Moradi, R et al. (2014) Pedagogical Foundations of Interaction Theories in Distance Education: A Study of Anderson's Interaction Pattern in Web-Based Educational Environments, View of the Journal of Educational Studies, Center for

29. Gotek, G. L (2015) *Philosophical Schools and Educational Opinions* Translated by Mohammad Jafar Pakseresht. Tehran: Samat.[Persian]
30. Omranian, S. N and A. A, Alizamani (2017) *The Relationship between Pleasure and the Meaning of Life from Aristotle's Perspective*, Quarterly Journal of Islamic Philosophy and Theology, Mirror of Knowledge, Shahid Beheshti University, Volume 17, Number 50, Spring, pp. 107-133.[Persian]
31. Malik, H and K, Nayej (2011) *Education according to Aristotle*, Quarterly Journal of Philosophy and Theology, No. 5, Winter, 103-121.[Persian]
32. Hozeh and University Research Institute (2014) *Philosophy of Education*, Tehran, Samat Publications, Volume One.[Persian]
33. Freire, P., 2018. *Pedagogy of the oppressed*. Bloomsbury Publishing USA.
34. Weller, M. (2014). *The battle for open*. London: Ubiquity Press. Retrieved from <http://www.ubiquitypress.com/site/books/detail/11/battle-for-open>
35. Mossley, David (2013) *Open Educational Resources and Open Education*, The Higher Education Academy OECD (2007) *Giving Knowledge For Free: The Emergence Of Open Educational Resources*— ISBN-978-92-64-03174-6
36. Olic, R (2011) *Great Coaches*, Translator: Ali Shariatmadari, Tehran, Samat Publications.[Persian]
18. George ,L (2015) *Socrates on teaching: looking back to move education forward*, *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 174 ( 2015 ) 3970 – 3974
- 19.
20. Tusi, M.A (1975) *History of Western Education*, Sepahian Enghelab University Press. [Persian]
21. Mayer, F (1995) *History of Educational Thoughts*, Translator: Ali Asghar Fayyaz, Tehran, Samat Publications, Volume One.[Persian]
22. Batista ,G. A (2015) *Socrates: Philosophy applied to Education - Search for Virtue*, *Athens Journal of Education - Volume 2, Issue 2 – Pages 149-156* <https://doi.org/10.30958/aje.2-2-5> doi=10.30958/aje.2-2-5
23. Simiyu,K. A (2016) *Socrates Legacy In, masinde muliro university, Dpartment : Education Foundatins*.
24. Mares,M (2018) *Classical Educational Concepts of Socrates, Plato, Aristotle , DOI: 10.13140/RG.2.2.33180.13449*
25. Naqibzadeh, M. A. H (2000) *A look at the philosophy of education*. Tehran: Tahoori.[Persian]
26. Islamian, M and N, Keshti Arai (2014) *Explaining the components of the curriculum based on the educational perspectives of Plato and Farabi*, *Research in Curriculum Planning*, Year 11, Volume 2, Number (31 consecutive) 4, Spring, pp. 11-31
27. Mirza Mohammadi, M. H (2002) *A Comparative Study of the Goals of Education from the Perspective of Plato and Farabi*, *Journal of Psychology and Educational Sciences*, Volume 33, Number 2, pp. 203-227. [Persian]
28. Ozman ,H. A and S, M. Crower (2016) *Philosophical Foundations of Education*, Department of Translators, Tehran, Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications.[Persian]